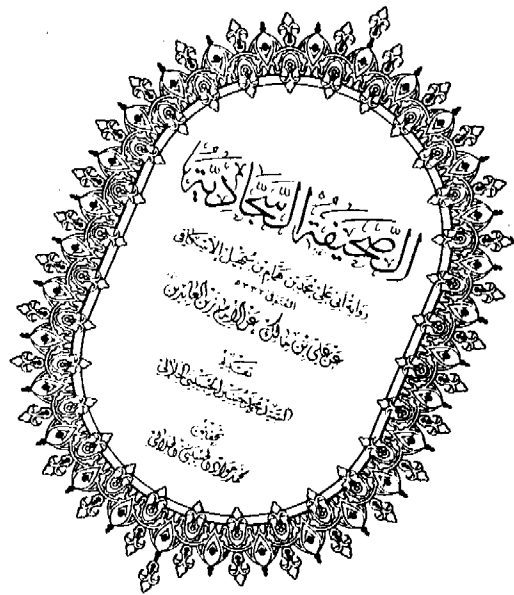


# زبور آل محمد (ع) در گذر تاریخ

جويا جهانبخش

در میان نیایش های روایت شده از سرور ساجدان و زیور عابدان، امام علی بن الحسین (ع) **صحیفه سجادیه** (ع) اهمیت و امتیازی دیگرگونه دارد. هر چند همه نیایش های آن سرور ارجمند، از دل دانایی و بردباری و شیوایی و دلیری و بزرگواری برجوشیده، و در دل و دیده باورداران، محبوب و عزیز است،<sup>۱</sup> **صحیفه سجادیه** (ع) این امتیاز بزرگ را دارد که امام (ع)، خود، به گردآوری آن دست یازیده و بر فرزندان برومندشان، امام محمد باقر (ع) و زید شهید (ره) املا فرموده اند.<sup>۲</sup>

درست، از همین رو است که این **صحیفه مقدس** و اعجاز آسا<sup>۳</sup> را، از روزگاران دور، در شمار مامنامه های میراث اهل بیت عصمت و طهارت (ص) و در کنار جوامع روایی و حدیث نامه های مختلف - به ویژه حدیث نامه های چهارگانه (الکتب الأربعة) - به روایت و درایت آن اهتمام کردند؛ آن را نزد مشایخ بزرگوار به قرائت گرفتند و به دقت و تحقیق در الفاظ و اعراب و اختلاف نسخ و معانی و روایات آن نگریستند.<sup>۴</sup>



**الصحيفة السجادية (ع)**، رواية أبي علي محمد بن همام بن سهيل الإسكافي عن علي بن مالك، عن الامام زين العابدين (ع)، تقديم: السيد محمد حسين الصيبي الجلالى، تحقيق محمد جواد الصيبي الجلالى، ١، قم: دليل ما، ١٤٢٢/ق/١٣٨٠ ش.

١. امام (ع) خود، آن جا که در مجلس یزید گجسته، بر فراز منبر رفتند و سخنانی بیدارگر و تنبه آفرین بر زبان راندند، فرموده اند: «أيها الناس أعطينا ستاً، وفضّلنا بسبع: أعطينا العلم والحلم، والسماحة، والفصاحة والشجاعة والمحبة في قلوب المؤمنين. وفضلنا بأنّ منّا النبي المختار محمداً (ص) و منّا الصديق، و منّا الطيّار، و منّا اسد الله و أسد الرسول، و منّا سيّدة نساء العالمين فاطمة البتول، و منّا سبطا هذه الامة و سيّد شباب اهل الجنة...»
- (جهاد الإمام السجاد (ع)، السيد محمدرضا الحسينى الجلالى، دار الحديث، ١٤١٨ ق، ص ٥١).
٢. ر. ك: جهاد الامام السجاد (ع)، ص ١٨٩.
٣. ابن شهر آشوب، مى نويسد:  
«ذكر فصاحة الصحفيّة الكاملة عند بليغ في البصرة، فقال: خذوا عني حتى أملى عليكم، و أخذ القلم و أطرق رأسه فما رفعه حتى مات.»  
(مناقب آل أبي طالب (ع)، تحقيق: د. يوسف البقاعي، دار الأضواء، ط ٢، ج ٤، ص ١٤٩).
٤. ر. ك: خاتمة مستدرک الوسائل، تحقيق مؤسسة آل البيت (ع) لإحياء التراث، ج ٩، ص ٣٣٦.

نگارش تکنگاری مذکور (موسوم به *دراسة حول الصحیفة*)<sup>۴</sup>، از آیه الله سید محمدحسین حسینی جلالی است، و تحقیق و ساماندهی روایت علی بن مالک برای چاپ، از حجة الاسلام والمسلمین سید محمدجواد حسینی جلالی .  
در این نوشتار، بر این پژوهش تازه انتشار یافته، نگاهی آمیخته به ملاحظات ناقدانه خواهیم افکند .

### نفاست و وثاقت صحیفة

موافق گفتار ابن شهر آشوب (ره) *صحیفة کامله* ششمین کتابی است که در اسلام تألیف و تصنیف شده است: اولین کتاب، *قرآن کریم* بوده است که امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (ع) آن را گردآورده اند. مؤلفان و مصنفان بعدی، به ترتیب تاریخی، سلمان فارسی (ره)، ابوذر غفاری، اصیغ بن نباته و عبدالله بن ابی رافع اند. ششمین کتاب *صحیفة کامله* است که از سرورمان امام زین العابدین (ع) منقول است. (ص ۱۶)

استاد جلالی، به تفصیل نشان داده اند که آنچه احتمالاً از حدود سال ۵۸۸ق یعنی از عصر ابن شهر آشوب *الصحیفة کامله* خواننده شده، پیش از آن، *الکامل، دعاء الکامل، دعاء الصحیفة* و *الصحیفة السجادیة* خواننده می شده است. (ص ۱۴-۱۶)

به هر روی، *صحیفة سجدیه* (ع) که به قول استاد جلالی- «پس از کتاب خدا، و سنت پیامبر (ص) سومین مرجع در تراث

۵. همان، ص ۳۴۰.

ابوالحسن علی بن زید بیهقی، معروف به «ابن فندق»، شکایتی مشابه از روزگار خود (یعنی سده ششم هجری) دارد که بیش تر باید بر طبع بلند و سخنگیری علمی اهل آن دوران حمل کرد، و نیز بر این که ایشان، وضع خود را با حفاظ و رجال شناسان بزرگ پیش از خود که پیشوایان علم حدیث بوده اند، می سنجیده اند، و چه بسا قحطسالی چون عصر ما در مخیله شان هم خطور نمی نموده است! باری، سخن درنگ آفرین بیهقی این است:

«... چند نوع علم عزیز است که درین ایام در بلاد خراسان آثار آن مندرس گشته است: یکی از آن علم حدیث نبوی است - صلوات الله علیه - که اگر کسی ده اسناد احادیث بنویسد، پنج راست و پنج خطا، کم تر کسی باز شناسد که از آن اسانید آنچه سمت استقامت و صحت دارد کدام است و هر محدثی را استادی که از وی روایت کند که بوده است و مفردات او کدام است و شاگرد و مستفید که از وی نقل کند، چند شخص بوده اند و عدل و مجروح کیست. و این ماتی عظیم باشد و بلای بزرگ که در زیادت از صد فرسنگ از امت محمد رسول الله دو عالم نباشد که ناقد اسانید و احادیث مصطفی باشد.

مضی العلماء وانقرضوا وها أنا للردی غرض<sup>۵</sup>

(تاریخ بیهق، به تصحیح احمد بهمنیار، ص ۴۰۳)

۶. چنان که شنیده ام متن این دراسته، اندکی پیش، در بیروت، از سوی مؤسسه اعلمی چاپ شده بوده است.

افسوس و هزار افسوس که توانش های فن آورانه و شگرف و معیشت پرورانه دنیای جدید، نه تنها موجب آن نشد که کاوش و پژوهش و تدریس و تدریس حدیث نامه هایی چون *صحیفة سجدیه* (ع)، با آفاق نگرشی و نگارشی عصر همسو گردد و گامی به پیش نهد، که همان کهنه چراغ حدیث پژوهی سنتی را نیز فرو میراند؛ چنان که در این روزگار، به رغم انبوهی شمار طالبان علوم دینی و گسترش کتابخانه ها و کثرت ناشران و مددکاری رایانه ها، کم تر پژوهش و نگارش جاندار و تحول آفرین و دگرگون کننده ای در حوزه مطالعات حدیثی رخ می نمایاند، و چه اندک اند کسانی که روز و روزگار خویش را به تأمل جدی در حدیث نامه ها و مامنامه های تراث حدیثی بگذرانند.

آری، چه نزدیک است به ما، اوصافی که احیاگر معارف حدیثی و ثالث مجلسین، شیخ بزرگوار، میرزا حسین نوری (ره) (درگذشته به ۱۳۲۰) در *شکوه و شکایت* از روزگار خویش بر قلم می راند:

... و أصبحنا فی عصر لا یوجد فیہ مجلس عالم یداکر فیہ من هذا العلم ساعة، ولا من یقرأ علیه من الکتب الأربعة باب أو صفحة، ولا من یقرأها علیهم، بل ولا من التفسیر والرجال شیء، کأنها صارت من العلوم الغریبة، وفضول الفنون الغیر النافعة<sup>۵</sup>

در چنین زمانه ای، نشر متن ویراسته روایتی غیر مشهور از *صحیفة سجدیه* (ع)، به همراه یک تکنگاری مایه ور درباره پیشینه و گذار تاریخی صحیفة، خونی تازه در رگ پژوهش های حدیثی و جانی نو در کالبد فسرده «*صحیفة پژوهی*» ای روزگار می دمد.

سپاس این همه را، باید از خادمان تراث اسلام، علامه آیه الله سید محمدحسین حسینی جلالی، و برادر ارجمندشان، استاد سید محمدجواد حسینی جلالی، گزارد که به نشر روایت علی بن مالک از *صحیفة سجدیه* (ع) و تکنگاری پیشگفته اهتمام کرده اند.

روایت حاضر (روایت علی بن مالک)، در عصر شیخ الطائفة ابو جعفر طوسی متداول بوده و در *رجالنامه* شیخ از آن سخن رفته است (ر. ک: ص ۱۱). چون این روایت کمتر شناخته شده، و توجه ارباب نظر و عموم، بیش تر معطوف به روایت مشهور ابن اعلم است که شیخ الطائفة را به آن سندی نیست، و چون این روایت برتری هایی بر روایت ابن اعلم دارد، استاد سید محمدحسین حسینی جلالی، پس از دستیابی به تصویر نسخه روایت علی بن مالک (محفوظ در کتابخانه مرحوم آیه الله العظمی سید شهاب الدین مرعشی نجفی - طاب ثراه-)، به معرفی و احیای آن قیام کرده اند. (ر. ک: ص ۱۱)

### سالشمار حیات فرهنگی صحیفه

**صحیفه سجادیه (ع)** همواره دستگرد مشایخ کرام بوده است و نسل به نسل در روایت و قرائت و سماع و استنساخ و شرح و تحشیه و تعلیق آن کوشیده اند؛ چنان که علامه شیخ آقا بزرگ طهرانی ۶۴ شرح و ۱۱ حاشیه و ۶ ترجمه، و دکتر حسین علی محفوظ، ۵۸ شرح و ۱۵ حاشیه و ۱۳ ترجمه و ۱۶ چاپ از برای آن یاد کرده اند. (ص ۳۴)

استاد جلالی، با جستجوی اخبار و نسخ **صحیفه سجادیه (ع)**، سالشمار حیات فرهنگی صحیفه را تهیه کرده، و از قرن دوم تا روزگار ما، با ذکر سنوات - ولو به طور تقریبی - همه فعالیت های صورت بسته حول صحیفه را - اعم از روایت، استنساخ، قرائت، سماع، شرح، ترجمه، اجازه و ... - خاطر نشان نموده اند (ص ۳۴-۶۶).

نمونه را، سالشمار حیات فرهنگی صحیفه را در سده های پنجم و ششم هجری چنین می نویسند:

۴۱۱ هـ. روایة ابی الحسین بن عبدالله الغضائری

۴۱۶ هـ. روایة ابی بکر محمد بن علی الکرمانی

۴۵۰ هـ. روایة ابی العباس احمد بن العباس النجاشی

۴۶۰ هـ. روایة محمد بن الحسن الطوسی

۵۱۱ هـ. روایة ابی علی بن محمد بن الحسن الطوسی فی جمادی الآخره

۵۱۶ هـ. قراءة ابی عبدالله محمد بن احمد بن شهریار

الخازن فی ربیع الاول

۵۹۸ هـ. نسخه بخط ابی جعفر محمد بن ادریس الحلی فی رجب

۵۸۹ هـ. تاج الشرف یحیی بن اسماعیل بن علی الحسین بشادباخ فی غرة محرم. [کذا]

۵۸۸ هـ. ذکره رشیدالدین محمد بن علی بن شهر آشوب.

(ر. ک: ص ۳۶؛ با اندکی تلخیص)

هم به جهت شکوفایی حوزه های فرهنگی شیعه، و هم فور اسناد و یافته های تاریخی، سالشمار مربوط به سده های دهم و

۷. نظر آیه الله العظمی خرنی و امام راحل (ره) در استفاده از صحیفه برای استنباط فقهی، با نگرش بعضی دیگر از اعلام قدری متفاوت است. (ر. ک: ص ۱۸)

۸. بعضی افاضل گفته اند که صحیفه ای ناتمام نزد زیدیه هست که نسبت به صحیفه مشهور نقص دارد و از این رو صحیفه مشهور، در مقابل آن، «کامله» خوانده شده است؛ ولی استاد جلالی که درباره اشتهار صحیفه به «کامله» عقیده دیگری دارند، تاکنون بر چنین نسخه ای دست نیافته اند. (تفصیل را، ر. ک: ص ۱۴-۱۶)

اهل بیت (ع) به شمار می رود» (ص ۱۳)، توسط دو فرزند بزرگوار سجاد (ع) یعنی امام محمد باقر (ع) و زید شهید، از آن حضرت روایت شده و این دو بزرگوار بر محافظت آن قیام کرده اند. امام باقر (ع) به نوبه خویش، آن را بر فرزند برومند خود، حضرت امام جعفر صادق (ع)، املا فرمودند، و یحیی بن زید نیز نسخه پدر بزرگوار خویش را به ارث برد. امام صادق (ع) صحیفه را بر عمر بن هارون ثقفی بلخی (در گذشته به سال ۱۹۴ ق) املا فرمودند و این عمر بن هارون، مجمع الاسانیدی است که روایتگران صحیفه از او نقل و روایت می کنند و نقش مهمی در ترویج این کتاب شریف و کرامند داشته است (ص ۱۳ و ۱۴).

جمهور علمای مذهب اهل بیت (ع) صحیفه را تلقی به قبول کرده و نسل به نسل، بر عمل به آن در اوقات طاعت و مظان استجابات، مواظبت نموده اند. (ص ۱۶)

شیوخ بزرگوار و رجالیان نامدار متقدم، نجاشی و طوسی و ابن شهر آشوب، در کتاب های خود، به صحیفه سند رسانیده اند، و گسره بزرگی از عالمان و حدیث شناسان به توثیق آن پرداخته اند. (ص ۱۶)

مجلسی یکم در اجازه مورخ به ۱۰۶۴ ق تصریح کرده است که شکی در این نیست که **صحیفه کامله** از سرور ما حضرت سید الساجدین (ع) است. عالم یگانه، محمد باقر وحید بهبهانی یکی از امارات وثاقت را آن می داند که متن، خود، به صدورش از حضرات ائمه (ع) گواهی دهد، و **صحیفه سجادیه (ع)** را نمونه چنین متونی می داند. صاحب **جواهر صحیفه** را صراحتاً از امام سجاد (ع) شمرده و در بحث نماز جمعه به آن استناد نموده است. شیخ اعظم، مرتضی انصاری در بحث از کفاره غیبت به ادعیه صحیفه استناد کرده. ۷. سید فقیهان متأخر، آیه الله العظمی بروجردی صدور **صحیفه** را از امام سجاد (ع) از بدیهیات شمرده است. علامه سید محسن امین هم به صحت نسبت **صحیفه** قائل شده، و شیخ آقا بزرگ طهرانی **صحیفه** را (قاعدتاً از حیث نسبت) نزد اصحاب متواتر شمرده است. (ص ۱۶-۱۸)

فی الجمله، اعلام امامیه، حتی اگر در سند صحیفه مناقشه کرده اند، متن آن را - به رغم اختلاف روایات - معتبر شمرده اند (ص ۱۹) و به قول شیخ آقا بزرگ، به روایت و شرح آن اهتمام نموده و به طور خاص، در اجازات روایی خود، از آن نام برده اند. (ص ۱۸)

پیشوایان زیدیه هم به این صحیفه ارجمند توجه داشته اند و نقل شده که المتوکل علی الله، پیشوای یمن، به تدریس **صحیفه سجادیه (ع)** می پرداخته و مجلس درسی از برای این کتاب شریف داشته است. ۸. (ص ۱۹)

یازدهم به بعد بسی مبسوط تر است؛ و این امری است کاملاً طبیعی.

چکیده آگاهی های سالشمار، و نیز مشجر روایت صحیفه (در ص ۲۱) نشان می دهد که این گوهر گرانبایه ترائی در آغاز در میان خود سلاله اهل بیت (ع) سیر می کرده و ایشان به املاء و روایت و کتابت آن می پرداخته اند. نخستین کسی که صحیفه را از این دایره بیرون آورده است، متوکل عمر بن هارون بلخی (در گذشته به سال ۱۹۴ق) بوده، و طبیعی است که در این راه با مخالفت مخالفان اهل بیت (ع) رو به رو شده باشد. در سده چهارم، یعنی زمانی که تشیع در خلال حکومت آل بویه مجالی برای دم زدن و نفس کشیدن یافته بود، روایت و اجازت صحیفه فزونی گرفت و این امر تا سده دهم که دولت صفوی بر بنیاد مذهب شیعه اعلام موجودیت کرد، استمرار یافت. از این دوره عنایت به کتابت و اجازت و ترجمه و شرح و تعلیق صحیفه فزونی گرفت. در سده سیزدهم چاپ های سنگی صحیفه در ایران و هند، و ترجمه آن به زبان فارسی، بسیار می شود؛ در سده چهاردهم صحیفه به زبان های اروپایی هم ترجمه گردید؛ و این عنایت روز افزون تا به امروز ادامه داشته است. (ص ۶۵ و ۶۶)

این سالشمار پر اهمیت - که استاد جلالی، مانند آن را برای نهج البلاغه شریف هم سامان داده اند<sup>۹</sup> - برای شناخت پیشینه صحیفه و چگونگی گذار آن از دهلیز تاریخ، بسیار سودبخش است و می تواند سرمشق دیگر محققان قرار گیرد، تا برای همه مآمنامه های ترائی چنین سالشماری تنظیم کنند و بر سیر و مسیر تاریخی متون، پرتوهای روشنگر بیفکنند.

#### صحیفه در کالبد «اسانید»، «روایت ها» و «نسخه های مادر»

اسانید صحیفه در اجازات، بسیار است؛ چنان که مجلسی یکم می گوید: این اسانید به ششصد و پنجاه هزار و یکصد سند (۶۵۰۱۰۰) می رسد؛ ولی روایات اصلی صحیفه، طبعاً، بسی کم تر است. (ص ۱۹ و ۲۰)

علامه صاحب ریاض العلماء مشهور به «آفندی»، می گوید: «ما از نسخی از صحیفه شریفه اطلاع یافته ایم که به طرقی جز طریق مشهور روایت شده اند و شمار این طرق به ده برمی آید.» (ص ۲۰)

تأملات استاد جلالی نشان می دهد که طرق اصلی مختلف و شناخته شده، همانا چهار طریق است و دیگر طرقی که صاحب ریاض العلماء در آغاز صحیفه<sup>۱۰</sup> یاد کرده، همه به نحوی به همین چهار روایت راجع اند. (ص ۲۰، ۲۳ و ۲۴)

و اما چهار روایت اصلی مورد نظر، از این قرارند:

۱. روایت ابن مطهر که دو شیخ بزرگوار، طوسی و نجاشی به آن سند رسانیده اند.

۲. روایت ابن مالک که فقط شیخ طوسی یاد کرده است.

۳. روایت ابن اعلم که در همین روایت مشهور کنونی وارد شده است؛ ولی شیخ طوسی و نجاشی آن را یاد نکرده اند.

۴. روایت ابن اشکیب که صاحب ریاض العلماء آن را می شناخته (ص ۲۰).

و اما روایت های دیگری که صاحب ریاض العلماء در آغاز صحیفه<sup>۱۱</sup> ناله یاد کرده است:

۱. روایت ابن اشناس یزاز که بنابر برداشت استاد جلالی همان روایت مشهور است.

۲. روایت شیخ محمد بن احمد بن علی بن حسن بن شاذان، از ابن عیاش جوهری، به اسناد خویش از علی بن نعمان که این هم به عقیده استاد جلالی همان روایت مشهور ابن اعلم است.

۳. روایت ابن عیاش جوهری (کذا) که ظاهراً همان روایت پیشگفته است.

۴. روایت تلعبیری که به نظر استاد جلالی، گویا همان روایت دوم صحیفه است.

۵. روایت وزیر ابوالقاسم حسین بن علی مغربی که استاد جلالی احتمال می دهند سند اجازتی باشد.

۶. روایت برهنی کرمانی نرماشیری که استاد جلالی معتقدند بنا بر آنچه از توصیفش در صحیفه<sup>۱۲</sup> ناله معلوم می گردد، همان روایت مشهور است.

۷. روایت کفعمی در اواخر البلد الامین. (ص ۲۳ و ۲۴)

درباره چهار روایت اصلی پیش گفته (یعنی روایت های ابن مطهر و ابن مالک و ابن اعلم و ابن اشکیب) باید گفت:

«روایت ابن مطهر، چون هم شیخ طوسی و هم نجاشی به آن سند رسانیده اند، از جهت استناد، از دیگر نسخ ممتاز است، و از این روی، اوثق روایات به شمار می آید.» (ص ۲۰)

تنها یک نسخه از روایت ابن مطهر می شناسیم که به روز جمعه یازدهم ربیع الآخر سال ۶۹۵ق، به دست حسین بن محمد حسینی شیرازی، در موصل کتابت شده و امروز به شماره ۳۶۸۵ در گنجینه مخطوطات کتابخانه آیه الله العظمی مرعشی نجفی در شهر مقدس قم نگاهداری می شود. سندی کوتاه دارد. مقدمه معروف صحیفه در آن ذکر نشده و شامل چهل و یک دعاست؛ یعنی سیزده دعا از نسخ معروف کم تر دارد. (ص ۲۰ و ۲۲)

۹. ر. ک: دراسة حول نهج البلاغه، محمدحسین الحسینی الجلالی، مؤسسة الأعلمی، بیروت، ۱۴۲۱هـ، ص ۱۲۵-۱۸۵.



مشهور به افندی، صاحب ریاض العلماء نسخه ای عتیق از آن را دیده بوده که به خط ابن مقله، خوشنویس و وزیر نامدار روزگار عباسیان، کتابت شده بوده است. (ص ۲۰۳)

استاد جلالی، از این روایت به عنوان درّ یکتایی که مفقود است و نسخه ای از آن نمی شناسیم یاد کرده اند (ص ۲۰ و ۲۳)، ولی در کمال خوشوقتی باید گفت: رونوشتی صفوی از روایت ابن اشکیب در زمره مخطوطات سیدنا الاستاذ، علامه حاج سید محمدعلی روضاتی موجود است.

متن این دستنوشته، در ۱۳۸ برگ و در قطع رقعی است و به خط درشت هر صفحه: ۹ سطر، کتابت شده. بعضی نسخه بدل ها در حواشی آن آمده و یک دو برگ میانین هم دارد که حاوی پاره ای اضافات است. کتابت نسخه، به سال ۱۱۲۳ ق، و به قلم «محمدباقر الحسینی السلطانی الشوشتری»، صورت گرفته است. نسخه را، ملا ذوالفقار، برای یکی از بزرگان (شاید از خاندان سلطنت) نویسانیده، و در یادداشتی که در آغاز آن نوشته، تصریح نموده است که این نسخه ای از روایت غیر مشهور صحیفه از ابن اشکیب است که در نوع خود منحصر در فرد بوده و ملا ذوالفقار در تصحیح برخی تصحیفات کلیه و جزئی آن کوشیده است.<sup>۱۰</sup>

سند آغاز نسخه چنین است: «قال حدثني محمد بن الوارث، قال حدثنا الحسين ابن اشکيب، عن عمير بن هارون بن المتوکل البلخی ...».

به قرار مسموع از آقای سید احمد سجادی، رئیس مرکز تحقیقات رایانه ای حوزه علمیه اصفهان، این مرکز، به زودی، تصویر این نسخه را در لوح فشرده رایانه ای منتشر خواهد کرد و عموم اهل دانش و پژوهش را گروگان محبت و سماحت و دانش گستری سیدنا الاستاذ، علامه روضاتی خواهد نمود.

در این جا برای آن که نسبت روایت های چهارگانه با صحیفه ای که حضرت سید الساجدین (ع) املا فرموده اند، روشن تر شود، این نسبت را در یک درختچه روایی ساده<sup>۱۱</sup> فرامی نمایم:

۱۰. می توان حدس زد که ملا ذوالفقار این نسخه را از روی نسخه خط ابن مقله که در آن روزگاران موجود و شناسا بوده و به نظر میرزا عبدالله اصفهانی، صاحب ریاض العلماء هم رسیده است، نویسانده باشد.

۱۱. این درختچه به طور تفصیلی تر (یعنی: با ادامه) در ص ۲۱ از تحقیق استاد جلالی دیده می شود با این تفاوت که روایت ابن اشکیب را ما به آن افزودیم.

همچنین «مرکز تحقیقات رایانه ای حوزه علمیه اصفهان»، درختچه مفصل تری - که سیر روایت صحیفه را، در میان شیعه، تا علامه حلی نشان می دهد، و در میان سنیان تا قطب الدین ابو جعفر مقرئ نیشابوری - در دست انتشار دارد.

روایت ابن مالک، همین روایتی است که در کتاب مورد بحث، با تحقیق و تحشیه منتشر شده و - ان شاء الله - در همین نوشتار بیشتر درباره آن سخن گفته خواهد شد.

روایت ابن اعلم، علی الخصوص از روزگار صفویه به این سو بسیار مورد توجه قرار گرفته؛ شیخ بهاء الدین محمد عاملی مشهور به شیخ بهایی، در اشتهار این روایت سهم قابل ملاحظه ای داشته است (ص ۲۴)؛ و صحیفه مشهور و متداول امروزی حاصل جمع بین دو روایت ابن مطهر و ابن اعلم است.

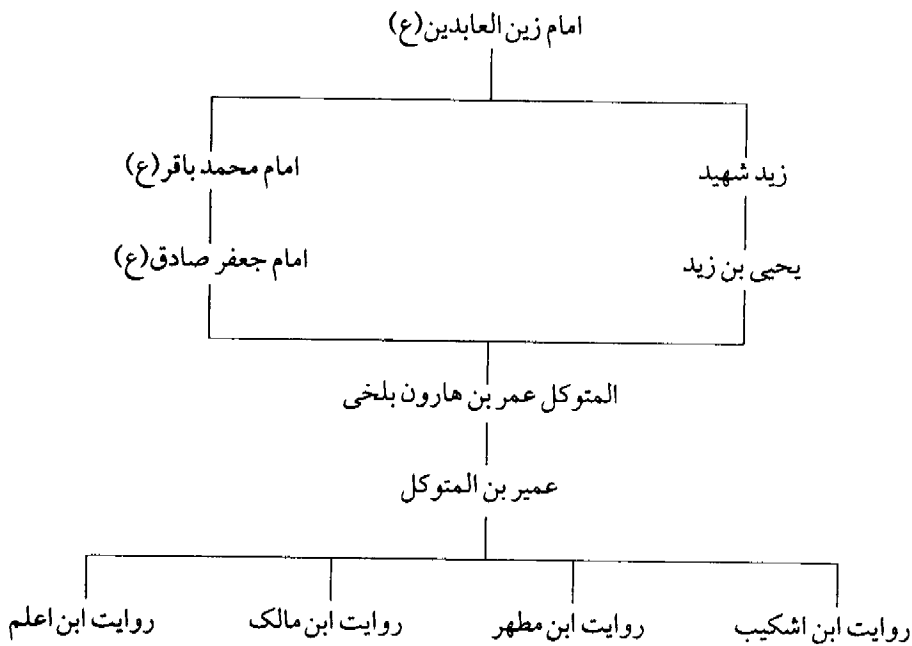
روایی نسخه مشهور از آنجاست که مجلسی یکم نسخه ای از صحیفه را در رؤیا از دست مبارک امام زمان گرفته و بعدها خود نسخه را در میان برخی کتب وقفی آن عصر یافته و بر شیخ بهایی خوانده بوده و با بعض نسخ دیگر مقابله کرده بوده است. مجلسی یکم خود می گوید: «به برکت مناولة صاحب الزمان (ص) این نسخه در جمیع بلاد اسلام، به ویژه اصفهان، پراکنده شد؛ چنان که کم تر خانه ای است که این صحیفه در آن نباشد» (ص ۲۴ و ۲۵). برخی از عالمان امامی، علاوه بر استنساخ و روایت و شرح، به حفظ این نسخه اقدام کردند. (ص ۲۶)

قدیم ترین دست نوشته که استاد جلالی از این نسخه مشهور صحیفه یافته اند، دستنوشته مورخ ۶۹۴ ق است که به خط یاقوت بن عبدالله مستعصمی کتابت شده و در کتابخانه سلطنتی (سابق) در تهران نگهداری می شود. (ص ۲۶)

نکته مهم آن است که بنابر مقدمه صحیفه مشهور، متوکل بن هارون، ادعیه صحیفه را در هفتاد و پنج باب دانسته که یازده باب از آن ها را از کف داده و شصت و چند باب از آن ها را حفظ کرده است. در روایت ابن مطهر و در روایت ابن مالک هم، سخنی از شمار ادعیه یا نقص آن ها نیست. با این همه عدد ابواب صحیفه مشهور و متداول، پنجاه و چهار دعا است و بنابراین، دعاهای گمشده یا از دست رفته، بیست و یک دعا می شوند. پس، تکمیل شمار ادعیه صحیفه ضرور می نماید. (ص ۲۷)

به هر روی، چون نسخه مشهور صحیفه از تلفیق دو روایت ابن مطهر و ابن اعلم پدید آمده، با این که نسخه ای خاص از روایت ابن اعلم نمی شناسیم، می توانیم با مقایسه روایت ابن مطهر با صحیفه مشهور، ضبط های نسخه ابن اعلم را تا حدودی که اطمینان بخش باشد، باز شناسی کنیم. (ص ۹۵)

روایت ابن اشکیب، روایتی است که حسین بن اشکیب مروزی به عنوان راوی از عمیسر بن هارون، در سند آن قرار دارد. این حسین بن اشکیب که از متکلمان و مصنفان ثقة امامیه است، از اصحاب امام هادی و امام عسکری (ع) شمرده شده، و باشنده سمرقند و کش بوده است (ص ۲۳). میرزا عبدالله اصفهانی،



فراوان کتابت شده و در کتابخانه دانشگاه تهران نگاهداری می شود. (تفصیل را، ر. ک: ص ۶۶-۷۳ و ص ۴۵).

#### استدراک بر صحیفه موجود

جمعی از علمای مذهب اهل بیت (ع) به گردآوری ادعیه ای که از امام زین العابدین (ع) روایت شده، ولی در صحیفه سجادیه مشهور نیامده است، قیام کرده اند و تکمله هایی برای صحیفه نوشته اند. از آن جمله است:

۱. الصحیفه الثانیة که شیخ حر عاملی (ره) فراهم آورده و به سال ۱۳۱۱ ق در هند به چاپ رسیده است.
  ۲. الصحیفه الثالثة که مولی عبدالله بن عیسی اصفهانی، صاحب ریاض العلماء مشهور به «آفتدی» فراهم آورده است و به سال ۱۴۰۰ ق در قم چاپ شده.
  ۳. الصحیفه الرابعة که محدث نوری فراهم آورده است.
  ۴. الصحیفه الخامسة که علامه سید محسن امین عاملی فراهم آورده و به سال ۱۳۳۰ ق در دمشق چاپ گردیده است.
- صحیفه های ششم و هفتمی هم گرد آورده شده که چاپ نشده است و در الذریعه معرفی گردیده. صحیفه جامعی هم اخیراً به اهتمام آیه الله سید محمد باقر موحد ابطحی ساماندهی شده که در قم به طبع رسیده است. (ص ۲۷، متن و هامش)

استاد جلالی درباره نسخه های مهم صحیفه که به عنوان «مادر» نسخه ای نسخ مشهور صحیفه شناخته می شوند، توضیحات سودمندی داده اند. یکی از این نسخه ها، نسخه علی بن سکون (در گذشته در حدود ۶۰۶ یا ۶۰۰ ق) است که از ثقات علمای امامیه به شمار می رود. دیگر، نسخه علی بن احمد سدید است که از روی نسخه ابن سکون نوشته و سپس آن را با نسخه ابن ادریس برسنجیده است. مستند ابن ادریس در ضبط نسخه اش به درستی شناخته نیست و استاد جلالی معتقدند که وی از اجتهاد شخصی اش در تصحیح نسخه خود بهره برده. نسخه دیگر، نسخه شهید اول است که از روی نسخه سدید نوشته و مواضعی از آن را که تقیید نشده و مهمل و بدون نقطه گذاری روشن رها شده بوده است، شهید اول، به همان صورت در نسخه خود ثبت کرده (و گویا منشأ برخی تصحیفات، همین موارد مهمله بوده باشد). نسخه شهید، مبنای نسخ مهم دیگری قرار گرفته بوده است، از جمله: نسخه محمد بن علی بن حسن جباعی (در گذشته به سال ۸۸۶ ق، نیای شیخ بهایی) که در اختیار علامه مجلسی (صاحب بحار) بوده است. نسخه شهید ثانی که احتمال داده شده است همان نسخه ابوالنجم موجود در کتابخانه نواب باشد. سه دیگر نسخه مورخ ۱۰۷۹ ق است که به قلم غلام علی مشهور به محمد امین با دقت و عنایت

در تدوین این مستدرکات، هدف اصلی، استقصا و گردآوری ادعیه منسوب به امام سجاده (ع) بوده و نکته مهمی که مربوط به ساختار روایتی صحیفه است، ملحوظ نگریده است. این نکته آن است که صحیفه کتابی خاص است که در قالبی ویژه املا شده و از سوی راوی مشخص روایت گردیده؛ نه مجموعه‌ای از دعاهای امام سجاده (ع) که توسط یک محدث عادی کنار هم گذاشته شده باشد. پس، در استدرک بر صحیفه باید دو نکته را مراعات نمود:

نخست آن که سند دعا به متوکل برسد.

دوم آن که از حیث اسلوب و ماده دعا با این قالب خاص تناسب داشته باشد.

این دو شرط، به عقیده استاد جلالی، تنها در دعای سی و هفتم روایت ابن مالک وجود دارد که در روایت ابن مطهر و نسخه مشهور وجود ندارد. (ص ۲۸ و ۴۳۱)

#### صحیفه به روایت ابن مالک / نسخه حاضر

این صحیفه، در حقیقت، روایت ابوعلی محمد بن همام اسکافی بغدادی (در گذشته به سال ۳۳۲ق) از علی بن مالک است که به استاد خویش، صحیفه سجاده (ع) را روایت می‌کند.

شیخ الطائفه، ابو جعفر طوسی از این صحیفه در رجالنامه خود یاد کرده و نوشته است: «علی بن مالک، روی عنه ابن همام دعاء الصحیفه». بسیاری از رجالیان پسینی نیز سخن او را نقل کرده‌اند. چون این روایت صحیفه در سال‌های اخیر چندان در تداول نبوده، برخی از اعلام، مراد شیخ الطائفه را به روشنی متوجه نشده‌اند. علامه سید محمدصادق بحر العلوم که رجالنامه شیخ را تحقیق و طبع نموده، گمان کرده است مراد از «دعاه الصحیفه» همانا سومین دعای صحیفه مشهور است (یعنی: الصلوة علی حملة العرش). علامه شیخ محمدتقی شوشتری نیز بر سیاق عبارت شیخ ایراد گرفته است که استاد جلالی به تفصیل پاسخ آن را نوشته‌اند. (ص ۱۵۸-۱۶۱)

این نسخه صحیفه، سی و هشت دعا از صحیفه را در بردارد. دعای سی و هفتم از این نسخه، در نسخ متداول صحیفه موجود نیست. دعاهایی در نسخ متداول صحیفه به صورت مستقل آمده‌اند که در این نسخه به همراه و در ضمن دعاهای دیگر وارد شده‌اند. چنان که دعای نخست این نسخه، در بردارنده دعاهای یکم و دوم نسخ متداول است. همچنین دعای دوم این نسخه،

دعاهای سی و هفتم و پنجم از نسخ متداول را شامل است. (ص ۵ و ۶)

گفتنی است که به نظر محقق محترم متن، ترتیب این نسخه، از حیث شکل و صورت دعاها، در مقایسه با ترتیب نسخ متداول، از انسجام بیش تری برخوردار است. نمونه را، در نسخ متداول، دعای دوم - که دعای امام سجاده (ع) در درود و سلام بر رسول خدا (ص) است - از دعای یکم جدا شده، ولی در این نسخه مستقیماً و متصلاً در پی تحمید آمده، و این ترتیب - به نظر محقق - منطقی تر است؛ زیرا انگیزه‌ای برای انفصال وجود ندارد، و از دیگر سو، دعای دوم با «والحمد لله...» آغاز می‌شود که آشکارا نشان می‌دهد معطوف به عبارت پیشین است. (ص ۶)

از تفاوت‌های متمایزکننده نسخه روایت ابن مالک از نسخه مشهور، آن است که در فقرات بسیاری از صحیفه، صلوات بر محمد و آل محمد (ص) را می‌آورد، به طوری که تقریباً هیچ دعایی از صحیفه از این صلوات خالی نیست. (ص ۷۳)

همچنین در تقدیم و تأخیر ترتیب ادعیه،<sup>۱۲</sup> و زیادت و نقصان و تقدیم و تأخیر بعض فقرات ادعیه، و افزونی بخش‌هایی ادعیه نسبت به نسخه مشهور بین روایت ابن مالک و نسخه مشهور تفاوت وجود دارد. (ص ۷۳)

این نسخه از صحیفه را (به عنوان روایت ابوعلی محمد بن همام بن سهیل اسکافی از علی بن مالک)، هم محقق متن صحیفه (ص) و هم استاد سید محمدحسین حسینی جلالی (ص ۱۱)، «روایت فریده» و «نسخه وحیده» شمرده‌اند.

نسخه مبنای طبع این روایت، دست‌نوشته‌ای است که در کتابخانه آیه الله العظمی مرعشی نجفی نگهداری می‌شود. هر چند کهن بودن آن هویداست، تاریخ و نام کاتب ندارد. بر برگه بیست و یکم آن یک یادداشت بلاغ دیده می‌شود، بدین لفظ: «بلغ عند مستجمع العلوم شیخ الإسلام والمسلمین زین الملة والدين مد ظله و ایده الله تعالی»؛ و استاد جلالی چنین برداشت کرده‌اند که مراد، شهید ثانی (زین الدین بن علی عاملی) می‌باشد. (ص ۱۶۱)

۱۲. استاد جلالی معتقدند علت اصلی اختلاف در ترتیب و تسلسل ادعیه صحیفه‌ها آن است که این کتاب در آغاز بر صُحُف و اوراق متعددی که بر روی هم نهاده می‌شده‌اند، کتابت شده بوده است. (ر. ک: ص ۱۶۱)

باری، این نسخه، علی الظاهر، تنها دستنوشته روایت علی بن مالک نیست. چه، سال‌ها پیش در یکی از مراحل بازسازی حرم مطهر رضوی (ع) در مشهد مقدس صندوقچه‌ای حاوی چند دستنوشته کهن دستیاب شد که در زمان‌های دور از آن یکی از مدارس فرقه کرامیه در نیشابور بوده است.<sup>۱۳</sup> یکی از این دستنوشته‌ها، دستنوشته صحیفه سجاده (ع) است که بر یک مدرسه کرامی در نیشابور وقف شده بوده است، و دانشمند پاکیزه خوی، استاد کاظم مدیر شانه چی، صحیفه سجاده (ع) را بر اساس آن تحقیق و آماده چاپ کردند و به سال ۱۳۷۱ ش در سلسله منشورات بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی (ع) در مشهد به چاپ رسانیدند. جان سخن این که این صحیفه هم، مروی است از طریق علی بن مالک.

نه این نوشتار گنجایی سنجش دو نسخه را دارد و نه نگارنده هم اکنون مجال آن را. تنها بیفزایم که این نسخه کرامیه، همان نسخه مورخ ۴۱۶ ق است که استاد سید محمدجواد حسینی جلالی، ذکر آن را بر سالشمار *دراسة حول الصحیفه* برافزوده (ص ۳۶) و در تحقیق متن هم از آن بهره برده‌اند (ص ۹)، ولی ظاهراً به پیوند آن با علی بن مالک توجه نداده‌اند (یا این بنده متوجه تذکر ایشان نشده است).

### شرح اسناد و شرح خطبه

استاد سید محمدحسین حسینی جلالی در دو فصل دراز دامن از *دراسة خویش*، به شرح و گزارش اسناد متن و نیز خطبه صحیفه پرداخته و موی بینانه دقائقی سند و خطبه روایت اسکافی را از ابن مالک، بررسی کرده است.

نخست به شرح حال محمد بن همام اسکافی بغدادی، و علی بن مالک، و احمد بن عبدالله، و محمد بن صالح، و عمر (/ عمیر) بن متوکل، و متوکل بن هارون، پرداخته و گفتارهای تراجم‌نگاران و رجالیان را درباره اینان به بررسی و داوری گرفته‌اند (ص ۱۶۴-۱۹۲)؛ آن‌گاه به معرفی اعلام مذکور در مقدمه صحیفه دست‌یازیده‌اند (ص ۱۹۴-۲۳۸). این اعلام عبارتند از: امام جعفر صادق (ع)، محمد بن عبدالله محض (معروف به «النفس الزکیه»)، ابراهیم بن عبدالله محض، اسماعیل (فرزند امام صادق-ع)، یحیی بن زید، زید شهید (فرزند امام سجاده-ع)، امام محمد باقر (ع)، امام زین العابدین (ع).

پس از آن، خطبه (/ مقدمه) صحیفه را به بهره‌هایی چند

تقسیم کرده و به شرح آن پرداخته‌اند.

متأسفانه، توجه به «خطبه‌ها» و «دیباچه‌ها» متون کهن و مامنامه‌های تراثی، به ویژه در حوزه‌های علوم دینی، روز به روز رو به کاهش می‌رود، و از این رو، بسیاری از دقائقی قابل استنباط از این قسمت‌های بسیار مهم و روشنگر بعضی خطوط اصلی حاکم بر متن، از دید خوانندگان پنهان می‌ماند.

استاد جلالی، چه در مورد *نهج البلاغه* شریف<sup>۱۴</sup> و چه در مورد صحیفه ارجمند امام سجاده (ع) با تحلیل و بررسی متن خطبه کتاب، توانسته‌اند حقائق تاریخی و معنوی و تراثی مهمی را درباره متن عرضه دارند.

در آغاز خطبه صحیفه، متوکل بن هارون بلخی دیدار خود را با یحیی بن زید شهید گزارش می‌کند. تاریخ و محل این دیدار در خطبه مذکور نیست، ولی استاد جلالی حدس می‌زند مکان دیدار، کوفه یا پیرامون آن بوده باشد. زیرا متوکل در بازگشت از حج، راهی بلخ بوده است، و یحیی قصد خراسان داشته، و عراق همواره حلقه ارتباطی کسانی بوده است که از خراسان و پیرامون آن‌ها گنج می‌کنند. تاریخ دیدار هم بین سال‌های ۱۲۲ و ۱۲۵ ق و بطبع پس از ذی‌الحجه است. (ص ۲۳۹ و ۲۴۰) یحیی در سخنان خود خاطر نشان می‌کند که امام باقر (ع) زید را به ترک خروج اشارت فرموده بوده‌اند (ص ۲۳۹). در این جا، استاد جلالی به بررسی این پُرسمان می‌پردازند که آیا قیام زید از سوی امام باقر (ع) مورد نهی قرار داشته، و از این روی، غیر مشروع بوده است، یا این که نهی مورد اشارت یحیی، قیام زید را که به شهادت وی انجامید، شامل نمی‌شده؟ به گفته استاد جلالی، روایات نشان می‌دهند که زید در موقعیتی قیام کرده است که چاره و راهی جز قیام پیش روی وی نبوده است، و این مورد، مشمول نهی امام (ع) نمی‌شده است. (تفصیل را، ر. ک: ص ۴۲۰-۴۲۲)

در بهره‌دیگری از مقدمه، یحیی بن زید از متوکل می‌شنود که امام صادق (ع) از کشته شدن وی بسان پدرش خبر داده‌اند. نخستین واکنش و سخن یحیی این آیه قرآن است که می‌خواند: «یَمْحُوا اللَّهُ مَیْثَاقَهُ وَیُثَبِّتُ وَعْدَهُ امَّ الْکِتَابِ» (رعد، آیه ۳۹). (ص ۲۴۳)

۱۳. درباره این نسخه‌ها و اهمیت‌شان، ر. ک: مقاله «نکاتی در مورد نسخه‌های کرامی مدفون در حرم رضوی» به قلم رحمت سیرجانی [ظ= محمد کاظم رحمتی]، مندرج در: *آینه پژوهش*، ش ۶۴، ص ۸۲ و ۸۳.

۱۴. *دراسة حول نهج البلاغه*، ص ۱۸۵-۲۱۶.



استاد جلالی، پس از بحثی دراز دامن درباره «قضا»ی الهی و معنای آن در معارف اهل بیت (ع) و همچنین پرسمان «بداء» نشان می دهند که منظور یحیی بن زید از استشهاد به این آیه کریمه چه بوده است. (ص ۲۴۳-۲۴۹)

در بهره دیگر، استاد جلالی، از این سخن متوکل که می گوید: «فأخرجت إلیه دعاء أملاءه علی أبو عبد الله (ع)، و حَدَّثَنِي أَنَّ أَبَاهُ مُحَمَّدًا (ع) أملاءه علیه وكان يدعو به وُسْمِيَه الكامل»، چنین نتیجه گرفته اند که صفت «کامل» به اعتبار مضامین دعا به صحیفه سجاده (ع) داده شده و این هم که صحیفه را صحیفه کامله می خوانند، به اعتبار همین توصیف و تسمیه است، نه به اعتبار وجود نسخه ای ناقص در مقابل این صحیفه؛ چنان که برخی از اعلام گمان برده اند. (ص ۲۵۰)

در بهره دیگر، متوکل شرح می دهد که چگونه امام صادق (ع) صحیفه یحیی بن زید را دیده و گواهی داده اند که دعای نیای بزرگوارشان، علی بن الحسین (ع) است که به خط عمشان، زید، کتابت گردیده؛ و آن گاه از فرزندشان، اسماعیل، می خواهند صحیفه محفوظ متعلق به خودشان را بیاورد و خاطر نشان می کنند که این صحیفه به خط پدرشان و املائی نیای بزرگوارشان (ع) است. پس از آن، متوکل از امام (ع) اذن می خواهد که دو صحیفه را با هم مقابله کند؛ امام (ع) اجازه می دهند، و او هیچ اختلافی میان دو صحیفه نمی بیند. (ص ۲۶۳)

استاد جلالی خاطر نشان می کنند که هیچ روایتی از ائمه (ع) نمی شناسیم که این چنین مورد اتمام ایشان - از حیث املا و استنساخ و روایت و حفظ - بوده باشد. استئذان متوکل و اذن امام برای مقابله خود، نکته دیگری است که میزان دقت و اتمام راوی را در مقابله نشان می دهد و این اقتضا می کند که روایت های سه گانه صحیفه که همه به متوکل باز می گردند، یکی باشند، نه مختلف. (ص ۲۶۴)

در بهره دیگر - به روایت ابن مالک - در سخنان امام صادق (ع) خطاب به محمد بن عبدالله بن حسن و ابراهیم بن عبدالله بن حسن، چنین می خوانیم:

«... فوالله انی لأعلم أنکمما ستخرجان کما أخرج یحیی، وستقتلان کما قُتل یحیی». (ص ۲۶۴)

استاد جلالی، به درست، بر این عبارت روشننگر انگشت نهاده و خاطر نشان کرده اند که امام (ع) با این عبارت اشارت می فرمایند که مبادرت به این قیام ها به اختیار و دلخواه اهل بیت (ع)

نبوده است و ایشان ناگزیر از قیام شده اند. (ص ۲۶۵)

جالب توجه این است که نظیر این عبارت، در روایت مشهور، به صیغه معلوم است: ... فوالله لأعلم أنکمما ستخرجان کما خرج وستقتلان کما قُتل. ولی صیغه مجهول، در روایت ابن مالک، نشان می دهد که این اقدام و برنامه ریزی بنی العباس بوده که یحیی و ابراهیم را در برابر عمل انجام شده قرار داده و ایشان را به خروج واداشته است. (ص ۲۶۵)

### طبع کنونی و ویراست متن

استاد سید محمدحسین حسینی جلالی، به علت وجود و وفور شروع گرانبار و مایه وری بر متن صحیفه سجاده (ع) به شرح و گزارش متن ادعیه نپرداخته اند (ص ۱۲ و ۲۷۳). محقق محترم متن نیز تنها «تفسیر بعض کلمات غریب» را با بهره وری از شرح سید علیخان مدنی (ریاض السالکین) و نیز برخی واژه نامه های تازی، در هاشم آورده، و از برای تفصیل گزارش برخی فقرات ادعیه، به شرح سید علیخان ارجاع داده اند. (ص ۹)

دستنویشت مبنا برای تحقیق و ضبط این روایت صحیفه (روایت اسکافی از علی بن مالک)، در دو موضع نقص داشته است، محقق محترم، با بهره وری از نسخ دیگر، آن را تکمیل کرده اند، و در ربط بعض فقرات از دستنویست های مورخ ۴۱۶ ق (محفوظ در کتابخانه آستان قدس رضوی (ع) به شماره ۱۲۴۰۵ و ۶۹۵ ق (محفوظ در کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، به شماره ۷۵-۳۶۸۵) بهره برده اند. (ص ۹)

محقق محترم متن صحیفه، آن گونه که معمول و مرسوم بیش ترینه مصححان و تراش پژوهان است، برخی از خصائص رسم الخطی قدمایی دستنویست را، در متن، به شیوه امروزیه رسم الخط، بدل ساخته اند، و با این که این گونه موارد، به تصریح خودشان «قلیل» بوده است، در هاشم به صورت مکتوب و مسطور در اصل دستنویست اشارت کرده اند. (ص ۹)

این شیوه، اگرچه بر زحمت محقق و طابع می افزاید، و مایه خرده گیری و ژکیدن گروهی از امروزیه پسندان می شود، به امانت نزدیک تر است و در فائدت تام تر. کم ترین سود گزارش این ناهمسانی ها، شناخت «تحول خط و چیزهایی از این قبیل»<sup>۱۵</sup>

۱۵. ر. ک: تفسیر جوامع الجامع، امین الدین ابوعلی الفضل بن الحسن الطبرسی، مقدمه و تصحیح و تعلیقات از: دکتر ابوالقاسم گرجی، ج ۳، ۱۳۷۷ ش، ج ۳، ص ۱۰۳.

است. سود مهم تر و اساسی تر، آن است که ای بسا محقق کلمه ای را بد خوانده باشد، و یا از بن، کلمه ای به ریخت مصحف و محرّف اش در دستنوشته آمده باشد، و تنها از روی صورت کتابتی مسطور در نسخه بتوان اصل آن را خواند یا حدس زد. دیگر آن که ای بسا کلمات که صورت رسم الخطی واحد دارند، و با گزارش این موارد، دیگر پژوهندگان خواهند توانست صورت قرائتی دیگر آن را نیز تصور کنند.

به هر روی، هدف بنیادین از گزارش نسخه بدل ها و دیگرسانی ها و تنظیم سازواره انتقادی، همین است که کارنامه پژوهشی مصحح پیش دیگر پژوهندگان باز باشد، تا دیگران هم بتوانند، در صورت امکان، همدوش وی اجتهاد کنند و به استدراکات تازه دست یابند.

بسیاری از سازواره های انتقادی روشن و گویا و باریک بین و خردنگر، در تصحیحات و تحقیقات مستشرقان و مقلدان ایشان، تقریباً همه نسخ و مستندات مبنای پژوهش را پیش چشم خواننده، تصویر می کند و مجسم می سازد، ولی در اقلیم ما، خصوصاً در تحقیق و طبع متون دینی و به طور اخص حدیثی - یعنی جایی که حتی تقیید و اجمال یک حرف و یک حرکت می تواند معنی دار و مهم باشد - در این باره آسانگیری می شود، و در اکثر سازواره های انتقادی متون دینی، حتی صورت کامل و صحیح اختلافات مهم نسخ و عبارات، هم وجود ندارد، تا چه رسد به دیگرسانی های رسم الخطی.

امید است این دقت و اهتمام ستودنی محقق محترم صحیفه، از سوی عموم محققان و مصححان متون دینی پی گرفته شود. ۱۶ گفتنی است که محقق همچنین از رهگذر سنجش نسخه مبنای خود با نسخه مورخ ۶۹۵ق (قم/مرعشی) و دیگر نسخ متداول سیاهه ای تفصیلی از «دیگرسانی ها» فراهم ساخته که امکان الحاق آن به این چاپ فراهم نشده است. (ص ۹)

امیدواریم این «نسخه بدل نامه» هر چه زودتر منتشر گردد و در اختیار پژوهندگان تراث اهل بیت (ع) قرار گیرد تا اندکی از خلأهای موجود در این زمینه پر شود. ۱۷

یکی از محسنات و دلاویزی های این طبع و تحقیق متن صحیفه سجادیه (ع)، آن است که محقق گرامی متن، آقای سید محمدجواد حسینی جلالی، اسناد خود را به این صحیفه شریفه یادآور شده اند و طریق روایتی خود را تا حضرت سید الساجدین (ع) در مقدمه خویش خاطر نشان کرده اند. ۱۸

این کار، به ویژه در تحقیق و طبع مامنامه های حدیثی، بسیار شایسته و بجاست، و در دیگر سرزمین های اسلامی هم مشاهده می شود. چنان که در طبع و تحقیق جدید شمائل النبی (ص) (فراهم آورده ابو عیسی ترمذی، در گذشته به ۲۷۹ق) که تحقیق و تخریج آن را شیخ ماهر یاسین فعل، به مراجعه و اشراف دکتر بشّار عواد معروف به انجام رسانیده است، بشّار عواد معروف در مقدمه خویش، محقق را اجازه روایت داده و او را از طریق مشایخ خود، به سلک روایت این کتاب و دیگر حدیث نامه ها در آورده است. ۱۹

۱۶. خداوند رحمت کناد مرحوم شیخ عبدالحسین محمدعلی بقال را! راقم، این مرد سختکوش محترم را درک نکرده بود، ولی همواره در دل و به زبان، بر دقت او در حفظ و گزارش صورت نسخه مبنای، آفرین می خواند. تحقیق شرائع الإسلام محقق حلی که به دست او صورت پذیرفته و ویراست دومش در قم طبع شده، گواهان فراوانی از این گونه دقت ها با خود دارد.

۱۷. برخی ناهماهنگی ها و سهوهای قلمی و مطبعی در چاپ حاضر هست که باید در چاپ دیگر زودده شود:

در ص ۱۸ از مرحوم آیه الله العظمی خوئی، با دعای «دام ظلّه» (مشرع به حیات) یاد شده، و در ص ۲۴۷ با دعای «قدس سرّه» (مشرع به وفات).

در ص ۲۵۰، بند آخر، نویسنده محترم را در یادکرد نسبت و ارتباط امام باقر (ع) با زید شهید سهو القلمی دست داده است.

در ص ۲۵۲، بند یکم، نویسنده سهو کرده و این از سنجش این بند و با بند آخر صفحه پیشین کاملاً هویدا می شود.

در ص ۱۷، س ۱۸، «الصحیفه» غلط و «الصحیفه» صحیح است. در ص ۶۵، س ۱۷، «جک» نادرست و صحیح آن «جیتیک» (یا نهایتاً: جیتیک) است. در ص ۲۵۲، س ۱، «ضنینا» درست است، نه «ظنینا».

در همان ص، س ۱۶، «ینبی» صحیح است، نه «ینبی». در ص ۲۶۴، س ۲۱، کسرۀ زیر میم زائد است.

۱۸. از باب «وأمّا بنعمه ربک فحدّث» یادآور می شود که این بنده ناچیز نیز، این صحیفه شریفه را، از شیخ اجازه خود، علامه سید محمدرضا حسینی جلالی روایت می کنم و او از شیوخ اجازه خویش، به تفصیلی که در ثبوت الأسانید العوالی مسطور است روایت می نماید تا برسد به حضرت سید الساجدین (ع).

قابل ذکر است که بنده از طریق شیخ اجازه خویش، و محقق محترم کتاب نیز از طریق برادر بزرگوارش، استاد آیه الله سید محمدحسین حسینی جلالی از عالم بزرگوار شیخ محمدرضا طبسی نجفی (۱۳۲۲-۱۴۰۵ق) به سند رفیعی که در تحقیق مورد گفت و گو یاد نشده است هم روایت می کنیم.

۱۹. ر. ک: شمائل النبی (ص)، الحافظ ابو عیسی محمد بن عیسی الترمذی، حقه و خرج احادیثه: شیخ ماهر یاسین فعل، اشراف علیه و راجعه: الدكتور بشّار عواد معروف، دارالغرب الإسلامی، ط ۱، بیروت، ۲۰۰۰م.

فی الجملة، می سَرَد طابعان حدیث نامه های شیعی خود از اصحاب اجازه و روایت باشند و طریق روایت متن را از مدون حدیث نامه تا خویشتن معلوم دارند؛ چنان که محقق محترم صحیفه اقدام کرده اند.

### یارب این قافله را لطف ازل بدرقه باد! ۲۰

نشر دراسته حواله الصحیفه و همچنین متن ویراسته روایت ابن مالک، گامی بلند و برگی ارجمند در راه صحیفه پژوهی و کارنامه صحیفه شناسی است؛ در عین حال، هنوز راهی دراز، تا سر منزل مقصود باقی است. چنان که استاد جلالی، خود، به درست، یادآور شده اند که روایت های چندگانه صحیفه، در حقیقت، یکی اند؛ (ص ۲۶۴) زیرا هر سه چهار روایت به متوکل بلخی باز می گردد و او هم نسخه خود را به دقت با نسخه متعلق به امام صادق (ع) و همچنین نسخه یحیی بن زید شهید سنجیده و آن دو نسخه را هم کاملاً مطابق و موافق یکدیگر یافته بوده است، آن گونه که می گوید: «... ولم أجد حرفاً يخالف ما فی الصحیفه الأخری» (ص ۲۶۳).

بنابراین، اختلافات هر سه چهار روایت، از جنس اختلاف نسخه و نسخه بدل است؛ و اگر ما از تعبیر «روایت» - به جای نسخه - استفاده می کنیم از آن رو است که با دستنوشته های متعدد متعلق به طریق هر یک از راویان، خلط نشود.

پس، در واقع، چاپ انتقادی و مصحح و محقق صحیفه باید از در هم ریختن این روایت های چهارگانه فراهم شود، به طوری که ما را به روایت اصلی - که متوکل بلخی از روی دستنوشته متعلق به امام صادق (ع) برداشت کرده و با دستنوشته زید هم سنجیده - نزدیک تر سازد. این همان چیزی است که استاد جلالی نیز به آن توجه داده و نوشته اند: «عسی أن یوفق الله من یجمع بین هذه الروایات ویستخرج طبعة محققة». (ص ۲۰)

طبعاً چنین کاری مستلزم سال ها تحقیق و تتبع و برسنجیدن «ضبط» های گوناگون و تعیین راجح و مرجوح است. شاید بهتر آن باشد که عالمان مختلف بدان قیام کنند تا از راه تطبیق کار هر یک با دیگری و انتقادات و ملاحظات سازنده ای که به میان می آید، و وصول به «متن محقق فعلاً نهایی صحیفه» آسان تر گردد و جوانب گوناگون کار در درازنای برسنجیدن این متن ها، سنجیده تر و سخته تر و پخته تر شود.

باز شاید بهتر آن باشد که پیش از آن، تصحیح انتقادی هر یک از روایت های چهارگانه، به طور جداگانه، صورت یابد، تا تصویری روشن تر از این چهار روایت پیش روی عموم ناقدان و پژوهندگان قرار گیرد. اقدام به نشر «نسخه برگردان» ۲۱ دستنوشته های مهم هر شاخه و روایت هم، دست ناقدان و سخن سنجان و تراش پژوهان را در تطبیق و تدقیق گشوده تر می سازد.

چون لازمه این کارها، هزینه های فراوان و فوق طاقت و استطاعت اقتصادی اشخاص عادی است، باید مؤسساتی که به عنوان خدمات دینی و تراثی فعالیت می کنند این مهم را بر عهده بگیرند، و هر چند صحیفه کتابی نیست که حتی «نسخه برگردان» آن با استقبال عموم خوانندگان و مؤمنان مواجه نشود، در این فعالیت ها به محاسبات معمول اقتصادی و انتفاعی نیندیشند. ۲۲ چنین تکاپوهایی برای حفظ و ترویج میراث گرانبار حدیثی و در راه خدمت به کتاب و سنت، اندکی از گزاره شکر نعمت مسلمانی است، و در برابر این نعمت گران قیمت، ذره ای؛ بل مانده به هیچ!

حال که سخن از «نعمت مسلمانی» رفت، ختام المسک و مسک الختام کلام را بهره ای نغز و پر مغز از صحیفه قرار می دهیم که در آن، از همین نعمت، به دلپذیری و بیدارگری، سخن رفته است.

«... والحمد لله الذی منّ علینا بنبیّه محمد صلی الله علیه وآله دون الأمم الماضیه والقرون السالفة...» (ص ۲۹۳)



۲۰. مصراعی است از غزل روح نواز خواجه، بدین آغاز: «مرحبا طایر فرخ پی فرخنده پیام / خیر مقدم، چه خبر، دوست کجا، راه کدام».

۲۱. «نسخه برگردان»، تعبیر پیشنهادی استاد ایرج افشار است به جای «چاپ عکسی» که اندک اندک هم جا افتاده و بر قلم گروهی از تراش پژوهان جاری شده.

۲۲. به ویژه از آن رو که در این مملکت مقادیری از بودجه عمومی مسلمانان، به هزار و یک عنوان پیدا و پنهان، به برخی از این مؤسسات تعلق می گیرد تا برای «ارتقای فرهنگ عمومی»، «نشر و آموزش اندیشه دینی» و «مقابله با تهاجم فرهنگی» و ... هزینه کنند.